

علی(ع) شادی، نشاط و شوخی

مهدی قاسمی

واحد پذیرش و ارزشیابی

چکیده: ابعاد روحی مختلف و روحیه گسترده ویژگی انسان است. در جریان مسائل زندگی احتمال خستگی و افسردگی در روح و روان بسیار طبیعی است. لذا با روی آوری به تفریح و سرگرمی و پرداختن به مسائل سرورانگیز و نشاط آور می توان جسم و روانی فعال و بانشاط داشت. خندانیدن و شادکردن دیگران خداوند اسلام ارزشی مذهبی است و طبق صریح روایات ایجاد چنین فضایی، عبادت محسوب می شود. همان گونه که قرآن، حد و مرز شادی های ممدوح و مذموم را معین نموده، در سخنان امام علی(ع) نیز اشارات صریحی به استفاده درست از اوقات فراغت و زمینه سازی برای آرامش روحی و فکری انسان شده است. مقاله حاضر، فواید و معایب شادی و نشاط را در قالب روایات و حکایات برشمرده و سعی در به تصویر کشیدن اعتدال اسلام دارد.

کلید واژه: اخلاق اجتماعی، اخلاق فردی، اخلاق اسلامی، اعتدال، فلسفه شادی و نشاط، شادی های ممدوح، شادی های مذموم، امام علی(ع) و شادی.

۱- فلسفه شادی، نشاط و شوخی

انسان دارای ابعاد روحی مختلف و روحیه ای گسترده است. او مانند ماشین نیست که به طور خودکار و خستگی ناپذیر کار کند. بدیهی است که در جریان مسائل زندگی، خستگی

برزو کرده، روح و روان به افسردگی می‌گراید. لذا از طریق تفریح و سرگرمی و پرداختن به مسائل شادی‌زا و نشاط‌انگیز می‌توان جسم و روان را فعال و بانشاط نگاه داشت. به تجربه نیز ثابت شده است که اگر انسان، فقط به کارهای یکنواخت پرداخته، و خود را وقف این زندگی ماشینی کند، بازدهی و راندمان کاری او در پی خستگی روحی و به دنبال کمبود نشاط و سرزندگی پایین می‌آید. برعکس، با تفریح و سرگرمی نشاط کاری در انسان به وجود می‌آید و کمیت و کیفیت کار به گونه قابل توجهی افزایش می‌یابد.

شوخی و مزاح در پی ایجاد فضای باز و روحیه‌ای ساختار شکن متولد می‌شود و می‌تواند حامل آثار مثبت یا منفی باشد. شوخی کردن در ذات خود، یک نوع فضا سازی برای تحکیم یا برملا ساختن عادات ناگفتنی و دور از ذهن را داراست. افرادی می‌توانند شوخی کنند که توانایی و قدرت ساخت چنین فضایی را داشته باشند. بدین ترتیب افرادی که دارای روحیه‌ای منفعل و از لحاظ روانی کسل و خموده می‌باشند و نیز در ظاهر، انسان‌هایی عبوس، به زنجیر کشیده، مقید و متعصب دیده می‌شوند؛ نمی‌توانند وارد چنین فضایی شوند و چه بسا ممکن است لزوم شادی و لبخند و سرزندگی را انکار کنند!

۲- شاد نمودن دیگران، یک عبادت

در اسلام خندانیدن و شادکردن دیگران کاری مذهبی است و طبق صریح روایات ایجاد چنین فضایی، عبادت محسوب شده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «لبخند شخص به صورت برادر مؤمنش حسنه است و ... و خداوند به چیزی دوست داشتنی‌تر از ادخال سرور بر مؤمن، پرستیده نشده است»^۱. و از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: «هر کس مؤمنی را شاد کند، همانا مرا شاد کرده و هر کس مرا خوشحال سازد، خداوند متعال را خوشحال نموده است»^۲ و امام سجاده(ع) نیز از پیامبر اکرم(ص) نقل می‌فرماید که فرمودند: «براستی که بهترین اعمال در پیشگاه خداوند بزرگ، وارد ساختن سرور و

^۱ - عن ابی جعفر(ع) قال: تبسم الرجل فی وجه اخیه حسنه... و ما عبد الله بشیء احب الی الله من ادخال السرور علی المؤمنین، ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷۱، ترجمه: حاج سید مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت.

^۲ - قال رسول الله(ص): من سر مؤمنا فقد سرنی و من سرنی فقد سرائه، ر.ک: همان.

شادی بر قلب مؤمنین است»^۱ بر این اساس چنین می‌نماید که ایجاد فضای سرور و شادی در جایگاه خودش، نوعی عبادت است و اگر ما بتوانیم بخندیم یا دیگران را بخندانیم؛ آموخته ایم که چگونه عبادت کنیم.

یکی از امتیازات انسان بر حیوان و جماد، خندیدن اوست. ما هیچ‌گاه حیوانات را در حالت خندیدن نمی‌بینیم. هیچ کامپیوتر یا مورچه و زنبوری نمی‌خندد و فقط انسان است که می‌تواند شادی و شغف خود را ابراز کرده و آن را به اطرافیان انتقال دهد. خنده، بزرگ‌ترین نیروبخش طبیعت است؛ تغییرات شگرفی در روان و جسم ایجاد می‌کند و موجب می‌شود در فرد، احساس خوشی در ادامه انجام کارها به وجود آید. انسان با امید به آینده زندگی می‌کند و خنده از عواملی است که در این زمینه تأثیرگذار است. صحبت این نیست که گریه نکنیم، بحث این است که اگر نتوانیم بخندیم، حتی نخواهیم توانست گریه خوبی داشته باشیم! این دو همراه هم و هر دو از پدیده‌های صادق، معتبر و اثرگذارند.

۳- شادی‌های ممدوح و مذموم در کلام خدا

خداوند متعال در نامه آسمانی خود به بشریت، از ذکر حالات طبیعی او در مواجهه با طبیعت و مسائل فراطبیعی غفلت نورزیده است. دسته‌ای از آیات پیرامون شادی‌های ممدوح و دسته‌ای دیگر در مقابل آن است:

الف) شادی‌های ممدوح

۱) شادی‌های مؤمنان به فضل الهی و لطف اوک «قل بضل الله و رحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون»^۲.

۲) شادی مؤمنان به یادی خداوند: «یومئذ یفرح المؤمنون بنصرالله، ی نصر من یشاء و هو العزیز الرحیم»^۱.

^۱ - قال رسول الله (ص)، ان الحب الاعمال الی الله عروجل ادخال السرور علی المؤمنین. ر.ک: همان.

^۲ - «بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند. که این از تمام آن چه گردآوری کرده‌اند. بهتر است.» یونس/۵۸.

ب) شادی‌های مذموم

۱) شادمانی برای انحراف: «و لا تكونن من المشركين من الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعاً كل حزب بما لديهم فرحون»^۲.

۲) شادی از سر غرور عملی: «فلما جاءهم رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم»^۳.

۳) شادمانی به امکانات مادی و معصیت خدا: «اذ قال له قومه لا تفرح! ان الله لا يحب الفرحين»^۴.

۴) شادی بر مصیبت دیگران: «ان تمسسکم حسنه تسؤهم و ان تصبکم سيئه يفرحوا بها»^۵.

۴- شادی و نشاط در کلام علی(ع)

در سخنان امام علی(ع) نیز اشارات صریح به استفاده درست از اوقات فراغت، شادی و نشاط و زمینه سازی برای آرامش روحی و فکری انسان شده است:

۱) حضرت علی(ع) در حدیثی ساعات زمدگی را در شبانه روز به سه بخش تقسیم فرموده‌اند: «للمؤمن ثلاث ساعات فساعة ينجى فيها ربه و ساعه يرم معاشه و ساعه يخلى بين نفسه و بين لذاتها فيها يحل و يجمل»^۶.

^۱ - «و در آن روز، مؤمنان به خاطر پیروزی دیگری خوشحال خواهند شد. به سبب یاری خداوند، و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد، و او صاحب قدرت و بخشایش گر است.» روم/۵ و ۴.

^۲ - «و از مشرکان نباشید. از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند و عجب این‌که هر گروهی به آنچه نزد آنها است دل بسته و خوشحالند.» روم/۳۲ و ۳۱.

^۳ - «هنگامی که رسولان نشان، دلایل روشنی برای آنان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال بودند.» غافر/۸۳.

^۴ - «هنگامی که قومش به او گفتند: این همه شادی مغرورانه مکن! که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد.» قصص/۷۶.

^۵ - اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می‌کند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند.» آل عمران/۱۲۰.

^۶ - حضرت علی(ع) فرمودند: «مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسم، تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار و زمانی برای تأمین هزینه زندگی و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است.» نهج البلاغه، قصار ۳۹۰، ترجمه: محمد دشتی، ص ۷۲۴، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹.

امام در بخش سوم این حدیث پرداختن به لذات حلال و شادی‌ساز را بخشی از زندگی هر فرد در شبانه روز دانسته، آن را (براساس حدیثی دیگر) عامل قوام دو بخش دیگر (عبادت و فعالیت اقتصادی) به حساب آورده‌اند.

۲) حضرت علی(ع) در تمثیلی بسیار زیبا عقل را به درخت پرباری تشبیه کرده‌اند که قدرت و توانمندی، ریشه آن و شادی و نشاط، میوه آن است: قال علی(ع): «اصل العقل القدره و ثمرتها السرور» و در فرمایشی دیگر، این نکته را به تمامی شیعیان یادآوری می‌کنند که شادی و نشاط، محصول طبیعی هر انسانی نمی‌تواند باشد و شرط این عبادت، خلق نیکو و نرم‌خویی با اطرافیان است: «لا يستعان علی السرور الا باللین».^۱

۳) امام علی(ع) می‌فرمایند: «ما من احد اودع قلباً سروراً الا و خلق الله له من ذلك السرور لطفاً. فاذا نزلت به نائبه جرى اليها كالماء في انحداره حتى تطرها عنه كما يطرد غريبه الابل».^۲ براساس این حدیث؛ خداوند برای کسانی که دل‌های (مؤمنان) را شاد می‌سازند، سرور را به صورت یک لطف و عنایت عطا می‌کند بدین صورت که وقتی مصیبتی به چنین افرادی می‌رسد، جلوی آن مصیبت را گرفته آن را دفع می‌کند. در این عبارت دو تمثیل هم بیان شده که نحوه رفع «نائبه» را روشن می‌کند. یکی این‌که مصیبت از دارنده آن سرور دور می‌شود مانند حالت گذشتن آب و سیلابش و دوم مانند اینکه شتران، شتر ناآشنا را از آبشخور دور کرده، نمی‌گذارند شتر دیگری جز خودشان را آبشخور آنها استفاده کند.

۴) حضرت علی(ع) شادی را موجب بهجت و انبساط روحی و مایه تهییج وجد و نشاط دانسته؛ در مقابل، غصه را عامل بسته شدن و در تنگنا قراردادن نفس و روح و پیچاندن فضای نشاط و در نتیجه از بین بردن آن فضا می‌دانند.^۳

۱ - محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۳۷، حدیث‌های شماره ۷-۸۴۵۶، مکتب الاعلام الاسلامی.

۲ - «هیچ کس دلی را شاد نکند جز آن که خدا از آن شادمانی، برای وی لطفی آفریند، و چون به او مصیبتی رسد، آن لطف همانند آبی که سرازیر شود روی به وی نهد، تا آن مصیبت را از او دور گرداند چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند.» نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰، ترجمه محمد دشتی، ص ۶۳۸، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹.

۳ - قال علی(ع): «السرور يبسط النفس و يثير النشاط، الغم يقبض النفس و يطوي الانبساط.» محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۳۸، حدیث شماره ۸۴۴۸، مکتب الاعلام الاسلامیه.

۵) آن حضرت فرموده‌اند: «اوقات السرور خلسه».^۱ مواقع تفریح و شادمانی از فرصت‌های گرانبها است.

۵- علی (ع) متهم به مزاح!

گاه با نگاهی غیر اخلاقی و حتی غیر مذهبی! به خندیدن و خنداندن و شاد بودن نگاه شده است. حال آنکه نفس شوخی کردن در دین نفی و نهی نشده است. با نگاهی به روایات می‌فهمیم که آنچه در شوخی کردن مورد نهی رفتن آبروی شخص شود. پیامبر (ص) در توصیه‌ای به علی (ع) می‌فرماید: «ای علی! مزاح و شوخی مکن که آبرو و ارزش تو را از بین می‌برد».^۲ این گونه شوخی را می‌توان «شوخی نابهنجار» نامید که از شوخی بهنجار متمایز است و آن مزاحی است که تنها باعث ادخال سرور می‌شود. این خلط باعث شده که عده‌ای فکر کنند خندیدن و خنداندن و شاد بودن و نشاط داشتن، نشانه لودگی و بی‌نزادکتی است. علامه حلی (ره) در بیان وجود شوخی‌های بهنجار حضرت علی (ع)، عبارت روشنی دارد، می‌نویسد: «تردید و خلافتی بین عقلا و خردمندان وجود ندارد که علی (ع) از همه مردم، اخلاقش نیکوتر و گشاده‌رویی آن حضرت نیز از همه بیشتر بوده است، چنان که دشمنان ناآگاه یا دوستان آگاه، او را به دعابه (شوخی طبعی و شوخی‌گری) متهم می‌کردند و این فقط به خاطر خوش‌رفتاری او به دوستان و سیره‌پسندیده‌اش با یاران بود».^۳

۶- نقل قولها

^۱ - ر.ک: همان، حدیث شماره ۸۴۵۱

^۲ - «یا علی! لا تمزح! فیذهب بهاؤک و...» میرزا احمد آشتیانی، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، ج ۲، ص ۱۹۱، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۴۵.

^۳ - علامه حلی، کشف الیقین، ترجمه شده با عنوان آئینه یقین، مترجم سید مجتبی علوی تراکمه ای، ص ۱۳۵، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۴.

۱) «ابن ابی الحدید» پیرامون احوالات و خصوصیات روحی و نیز رفتارهای اجتماعی آن حضرت می‌گوید: «علی(ع) در خوش اخلاقی و گشاده‌رویی و تبسم و خنده، ضرب‌المثل بود تا جایی که دشمنان این صفات را برای او عیب می‌شمردند».^۱

۲) «صعصعه بن صوحان» می‌گوید: «حضرت علی(ع) هم‌چون یکی از ما در میان مردم زندگی می‌کرد. نرم‌خو متواضع و آسان‌گیر بود ولی با این حال ما چون دلیری دست بسته که بر بالای سرش شمشیر گرفته باشند از او می‌ترسیدیم».^۲

۳) «ضرار بن ضمیره» بعد از شهادت مولا وقتی وارد شام می‌شود، معاویه از او می‌خواهد که از خصوصیات روحی حضرت علی(ع) برایش بگوید. او نیز پس از توصیف کمالات روحی و چگونگی ارتباط آن حضرت با صحابه و مخصوصاً با بینوایان می‌گوید: علی(ع)، بینوایان و مساکین را با نزدیک کردن به خودش و ایجاد ارتباط و پیوند صمیمی با ایشان شاد می‌کرد و آنها را نوازش می‌نمود».^۳

۴) «قیس بن سعد» در مجلسی که معاویه به او گفت: «خداوند ابوالحسن را بیامرزد! او شوخ طبع و خوش‌خنده و بذله‌گو بود!»، جواب گفت: «پیامبر (ص) نیز با یاران خود شوخی می‌کرد و می‌خندید».^۴

۷- حکایت‌ها

صفت شوخی و شادی نمودن حضرت در چندین حکایت نقل شده است که به ذکر چند نمونه از آنها بسنده می‌کنیم.

۱ - سید محسن امین، فی رحاب ائمه اهل‌البیت، ترجمه شده با عنوان سیره معصومان، ج ۳، بخش اول، ص ۳-۱۰۲، ترجمه: علی حجتی کرمانی، انتشارات سروش، ۱۳۷۶.

۲ - همان.

۳ - علامه حلی، کشف‌الیقین، ترجمه شده با عنوان آئینه‌یقین، مترجم: سید مجتبی علوی تراکمه‌ای، ص ۱۳۷، هجرت، ۱۳۷۴.

۴ - سید محسن امین، فی رحاب ائمه اهل‌البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی با عنوان سیره معصومان، ج ۳، بخش اول، ص ۱۰۳، انتشارات سروش، ۱۳۷۶.

۱) داستان خرما و هسته‌هایش: سید نعمت الله جزایری می‌نویسد: «مرویست که آن حضرت با پسر عم خود، امیرالمؤمنین رطب می‌خورد و هسته آن را پیش‌روی علی(ع) می‌گذاشت! در نهایت، مجموع هسته‌ها نزد علی(ع) مجتمع بود. رسول اکرم(ص) فرمودند: «یا علی(ع) به درستی که تو بسیار می‌خوری!» امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «یا رسول الله! پرخور کسی است که رطب را با هسته‌اش می‌خورد!»^۱

۲) فضا سازی برای شاد نمودن کودکان: روزی حضرت علی(ع) به همراه قنبر برای رساندن مواد غذایی وارد خانه زنی بینوا شدند که کودکان خردسالش گریه می‌کردند. قنبر می‌گوید: ناگهان دیدم که در گوشه حیاط، حضرت علی(ع) با در آوردن صدای بع-بع، کودکان را می‌خندانند و چون این حالت را دیدم، بعداً علت آن را پرسیدم. حضرت نیز در جواب فرمودند: «خواستم علاوه بر اطعام، آنها را شاد کرده باشم!»^۲

۳) بداهه‌گویی علی(ع): روزی حضرت علی(ع) در راهی می‌رفتند و عمر و ابوبکر در دو طرف حضرت همراهی‌اش می‌کردند. یکی از ایشان از روی شوخی گفت: «یا ابوالحسن! انت فی بیننا کنون لنا» (ای ابوالحسن تو در میان ما دو تن همانند حرف نون در کلمه «لنا» هستی). حضرت هم فی البداهه فرمودند: لو لم اکن بینکما لکتتما: لا!^۳ یعنی «اگر من در میان شما نمی‌بودم، شما نیز نمی‌بودیم!».

۴) خنده حضرت: روزی امام علی(ع) عربی بادیه نشین را دید که مشغول نماز است و نمازش را خیلی سبک و بسیار شتاب‌زده می‌خواند. حضرت تازیانه‌اش را به طرف او بلند کرد و از روی اعتراض فرمود: «چرا این‌گونه نماز می‌خوانی؟» مرد عرب با دیدن تازیانه ترسید، برخاست و نماز خود را با آرامش و سنگینی خاصی اعاده کرد. سپس حضرت به او فرمود: «این نماز بهتر بود یا نماز اول؟» مرد عرب گفت: «نماز اول! زیرا

^۱ - سید نعمه الله جزایری، زهرالربیع، ص ۱۱، بیروت، دارالجنان.

^۲ - علامه حلی، کشف الیقین، ترجمه شده با عنوان آیینہ یقین، مترجم: سید مجتبی علوی، ص ۱۵۳، انتشارات هجرت،

۱۳۷۴.

^۳ - جاوید حاج علی اکبری، گلشن لطایف، ج ۱، ص ۱۱.

آن را از ترس خدا خواندم ولی نماز دوم را از ترس تو! امام علی(ع) از جواب او خنده‌اش گرفت و خندید.^۱

۸- شادی، نشاط و شوخی محصولی پرمفعت

گفته شده که اگر می‌خواهی برای یک ساعت شاد باشید، یک چرت بزنید! و اگر می‌خواهید برای یک روز شاد باشید، به گشت و گذار در صحرا بپردازید، و اگر می‌خواهید برای یک هفته شاد باشید، در تعطیلات به شادی بپردازید. اگر می‌خواهید برای یک ماه شاد باشید، ازدواج کنید! و اگر می‌خواهید برای یک سال شاد باشید، ثروتی را به ارث ببرید و اما اگر می‌خواهید در طول عمرتان همیشه شاد باشید، یاد بگیرید که به آنچه برای زندگی خود انجام می‌دهید، عشق بورزید. به طور کلی احساسات پاکی مانند شاد بودن و انتقال‌شادی و ادخال سرور به دیگران، هیچ‌گونه ارزش اقتصادی ندارد ولی بر روی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی تک‌تک افراد جامعه، اثرات بسیار مفید گذاشته است و این نکته در آیات قرآن و فرمایشات ائمه اطهار(ع) و خصوصاً حضرت علی(ع) به صراحت یاد شده و قابل تأمل است. به وسیله شادی، نشاط و شوخی‌های بهنجار، نیاز جان برآورده شده و لذاتش مایه خشنودی و آرامش خاطر می‌گردد. فضای برآمده از این موقعیت روحی، آدمی را با شادی و سرور برای کار و کوشش مهیا می‌کند و در راه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با نیروی بیشتری آماده می‌سازد.

آری! شادی یک محصول پرمفعت است که خداوند آن را در وجود انسان به ودیعه نهاده است. اگر همت نداریم که درخت ناراحتی و یأس و ناامیدی را قطع کنیم، لااقل سعی کنیم در حد توانمان به مقدار کمی هم که شده، به کشت شادی بپردازیم و از فضاهای نشاط‌آور دوری نکنیم.

^۱ - لئالی الاخبار، ج ۴، ص ۶۲.